

{اشاره به ۱۱ هزار میلیارد تومانی که از محل بودجه عمومی برای هدفمندی یارانه‌ها در سال ۹۲ و ۹۳ اختصاص داده شده است} این مبلغ از پول نفت، مالیات و درآمدهای دولت و غیره وجود دارد. بقیه وجود ندارد. توی جیب مردم است. یارانه که توی جیب مردم نیست. ما داریم از توی جیب مردم به زور قانون در می‌آوریم و بعد تقسیم می‌کنیم. من می‌گویم که یارانه وجود ندارد. این یک دروغ است. بعد شمای نوعی می‌فرمایید که باید مثل سابق ادامه پیدا می‌کرد.

خوب دولت قیمت را دارد بالا می‌برد که مجبور نباشد برای هزینه تمام شده آب، برق و سوخت پول بیشتری بدهد، از یک طرف این قیمت را از مردم می‌گیرد و از طرف دیگر می‌خواهد درست بین آن‌ها تقسیم کند؟

دو بحث وجود دارد. یکی این که بعضی می‌گویند که دولت یارانه می‌دهد و قیمت‌ها را بالا می‌برد که یارانه ندهد، من می‌گویم که چنین چیزی نیست و اصلاً نبود. شما تراشه شرکت ملی نفت را که ببینید همیشه سودده بوده است، البته شرکت نفت وزارت نفت فرق می‌کند. یا تانیر هم همین طور است. فقط شرکت‌های آب و فاضلاب زیان‌ده بوده‌اند. آن هم رشمش آنچنان نیست. بنابراین اگر می‌گویند که این را درست کنید کسری بودجه دولت اصلاح می‌شود، من می‌گویم که اصلاً ربطی به کسری بودجه ندارد. در سال ۸۴ اعلام کردم که قیمت هر لیتر بنزین حدود ۲۹ تومان تمام می‌شود در حالی که حدود ۸۰ تومان می‌فروختند. سود می‌بردند، بنابراین یارانه وجود ندارد که بگویم مثل سابق ادامه دهیم. ولی من نمی‌گویم که مثل سابق ادامه دهیم. ما حامل‌های انرژی را به هر دلیلی ارزان در اختیار مردم قرار می‌دهیم، نه این که سود ندارد. باید بدانیم که به دنبال چه چیزی هستیم. حال می‌خواهیم گرانش کنیم. باید بدانیم که چه می‌خواهیم به دست بیاوریم. اگر بگویید که گران کنیم، مصرف کم می‌شود، من می‌گویم که مصرف کم نشد. بعضی‌ها می‌گویند که ما گران می‌کنیم که کارخانجات، فناوری‌شان را طوری عوض کنند که مصرف سوختشان کم شود ولی نظام بانکی که نتوانسته به آن‌ها تسهیلات بدهد که فناوری بیاورند. بنابراین شما گران می‌کنید، هدفی دارید اگر هدف‌هایتان تامین نمی‌شود چرا گران می‌کنید و به اقتصادتان لطمه می‌زنید.

در نهایت اگر بخواهیم یک جمع‌بندی داشته باشیم، اشکال و گیر کار در کجاست و برای حل مسأله چه باید بکنیم؟

اگر بخواهیم یک جمله کلی بگویم، اشکال کار تجربه نگرفتن از راهی است که به مدت ۲۵ سال به طور یکنواخت داریم طی می‌کنیم. کسانی که در ایران سیاستگذاری اقتصادی می‌کنند که مجلس و دولت دو مورد از مهمترین آن‌ها هستند، در سه دوره دولتهای گذشته یعنی دولت سازندگی، اصلاحات و مهرورزی، مبتنی بر توصیه‌های موسسات بین‌المللی مبنی بر آزادسازی قیمت‌ها و بازارها در همه شئون سیاستگذاری کردند. توصیه‌ها این بود که بازارهای پولی و مالی و بازار کار، قیمت‌ها و سایر مولفه‌ها باید آزاد شود و رها سازی قیمت انجام شود. مولفه‌های آن نیز مشهور است. همه می‌گویند که دولتها کوچک شوند، قیمت ارز آزاد شود، دولت در اقتصاد دخالتی نکند، خصوصی‌سازی باشد، این‌واژه‌ها از بس گفته شده است به گوش همه آشناست. طی ۲۵ سال ما این کارها را کرده ایم همه دولتها این موارد را داشته‌اند. من عرض این است که الان وضعیت اقتصاد ایران در شاخص‌هایی مثل تورم، بیکاری، تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، محصول همین سیاست‌هایی است که در اقتصادمان داشته‌ایم. اگر کسی از اقتصاد ایران راضی است محصول همین سیاست‌هاست و اگر ناراضی است نیز همین طور، بالاخره اقتصاد ایران را که از خارج وارد نکرده‌اند. تا جایی که عقل حکم می‌کند و آمار نشان می‌دهد وضعیت اقتصاد ما خیلی قابل دفاع نیست. اقتصادی که تورم بالای ۳۵ درصد دارد، اقتصاد مدیریت شده‌ای نیست. این نتیجه این سیاست‌هاست. عقل حکم می‌کند که اگر این سیاست‌ها این نتایج را فراهم کرده است در این سیاست‌ها تجدید نظر نکنیم. بنده می‌گویم که مشکل در این است که در سیاست‌ها تجدید نظر نمی‌کنیم.

خاطر آن است که ما هیچ عادت نداریم که هزینه کنیم، مملکت داری هزینه دارد. اگر مجلسی‌ها بگویند که چون دولت پیشنهاد داده است، پس ما اگر از مبلغ آن کم کنیم، مردم می‌گویند که مجلس مخالف است، درست نیست. دولت حتی به خودش اجازه نمی‌دهد که متنی از اقدامی که راجع به هدفمندی دارد را در یک زمانی منتشر کند که چهار نفر دانشگاهی نخبه و خبره یا کاسب و کشاورز ببینند و روی آن نظر بدهند. بعد از ظهر در قالب یک تبصره به مجلس می‌رود و فردای آن نهای می‌شود. این طوری که کارها به سامان نمی‌رسد. من تاکیدم بر این است که باید آسیب‌شناسی کنیم و ببینیم که کجا هستیم و چه چیزهایی مثبت و چه چیزهایی منفی است و حالا چه طور ادامه دهیم. این اتفاق نیفتاده است.

فکر نمی‌کنید که این راهی است که کشورهای دیگر نیز رفته‌اند و ما ناگزیریم که برویم و آما نباید فکری کنیم برای این که در نهایت حامل‌های انرژی را به قیمت واقعی و تمام شده در اختیار اقشار وسیعی از مردم قرار دهیم، آیا شما آن روش سابق را می‌پسندید که دولت مبالغ زیادی به برق و آب و سوخت یارانه می‌داد، ما باید آن روش را ادامه می‌دادیم؟

اولا حامل‌های انرژی در اقتصاد علت نیست و معلول است. علل اصلی تری در کارند که وقتی آن‌ها حل شود این مشکل به طور طبیعی حل می‌شود. تا وقتی که آن‌ها حل نشود اگر به این‌ها بپردازیم کار را خراب تر می‌کنید. بنابراین من دارم از یک رابطه علت و معلولی و این که مسأله چیست صحبت می‌کنم. این مطالبی که هر روز رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مردم عادی می‌گویند که من قبول نمی‌کنم. اگر شما می‌گویید که هدفمندی جلوی اسراف را گرفته، می‌گویم که عدد به من بدهید، شما می‌گویید که سابقاً این همه یارانه می‌دادند، ادامه دهیم، من تعجب می‌کنم که آقای بردبار با یک فردی که سی و چند سال در دانشگاه حمت کشیده و درس خوانده این طوری صحبت می‌کند....

خواهش می‌کنم: آقای دکتر! من خبرنگارم و وظیفه دارم یک کاری کنم که بیشتر صحبت کنید این نحوه سوال مرا حمل بر جسارت نکنید...

شخص شمارا نمی‌گویم، غرض من این طوری نبود، غرض این بود که وقتی من نوعی این طوری می‌گویم شما باید فکر کنید که چرا افلا نی این مطالب را می‌گوید، چون آدمی نیست که همین طوری صحبت کند. وقتی می‌خواهیم کاری را شروع کنیم باید به ریشه‌ها برویم، نه به سرشاخه‌ها. من باید به شما بگویم که اصلاً یارانه‌ای وجود نداشت. این یک دروغ بزرگ بود. یارانه وجود نداشت. آقای بردبار عزیز! یارانه وقتی وجود دارد که مثل همان ۱۱ هزار میلیارد تومان در بودجه عمومی از آن یاد شود.

دولت‌های گذشته یعنی دولت سازندگی، اصلاحات و مهرورزی، مبتنی بر توصیه‌های موسسات بین‌المللی مبنی بر آزادسازی قیمت‌ها و بازارها در همه شئون سیاستگذاری عمل کردند

عقل متعارف بشر می‌گوید که از یک سوراخ بیش از یک بار گزیده نشویم. به لحاظ شرعی هم گفته شده است که مومن زیرک باشد به این معنا که از اقدامات تجربه‌یاد بگذرد، ما بیش از سه سال این تجربه را در اقتصاد ایران داشته‌ایم و اقتصاددانان نفتی تر کرده‌ایم، بدین معنا که چون درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی کفاف نمی‌کند از شرکت‌های نفتی و انرژی پول برداشتیم و بابت پرداخت به خانوارها دادیم یعنی وابستگی به نفت را بیشتر کردیم، بعد هم دیدیم که این مسأله سطح عمومی قیمت‌ها را بالا برد و به تولید ضربه زد و روی نرخ سود بانکی و برابری قیمت دلار به ریا تاثیر گذار بود. عده‌ای را از اشتغال مولد باز داشت و ده‌ها عارضه دیگر که باید مجلس و دولت در یک طرح جامع پژوهشی این‌ها را خوب می‌دیدند که چه شد و چه نکات مثبت و منفی برای اقتصاد به همراه داشت و آن نقاط را با هم مقایسه کنیم و ببینیم که باید ادامه دهیم یا خیر. نه این که ما اصلاً مستقل از این که در اقتصاد چه اتفاقی افتاده است همین طور بگوییم که حرف مردیکی است و جلو برویم. پس انعطاف پذیری و توجه به واقعیات کجاست؟ به نظر من باید هر چه زودتر این حرکت کند و متوقف شود.

حتی متوقف کند آقای دکتر؟

بله، بله

یعنی هدفمندی به این شیوه را باید متوقف کنیم؟

بله، بله

پس چگونه باید هدفمندی یارانه‌ها را انجام دهیم؟

من عرض کردم که باید این سه سال تجربه را آسیب‌شناسی کنیم و چون مشکلاتش به مراتب وسیع‌تر از مناقش بوده است با شتاب به جلو نرویم. باید کندش کنیم و متناسب با آسیب‌هایی که وارد شده است اگر باید متوقف شود، متوقف و اگر باید در برخی از اقشار و گروه‌ها متوقف شود، باید متوقف کنیم. صرف این که بگوییم یک راهی از گذشته شروع شده و حالا که شده است، درست نیست. تمام این مشکلات و مسائل در اقتصاد ما به

